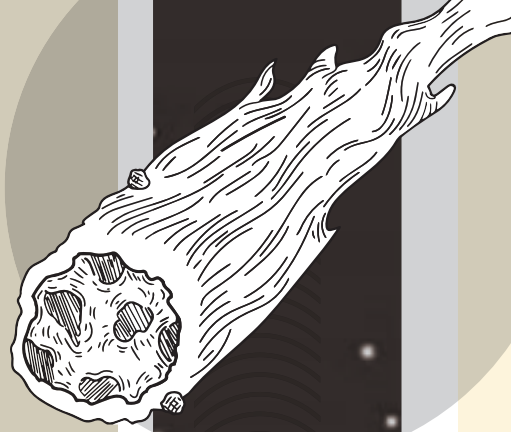




زنی که عاشق آسمان شد



شهربانو

۲۱ شهریور ۱۴۰۱
شماره ۳۷۵۸

(۴)



فاطمه گنجی

بیش از چهاردهه از زندگی خود را
برای رصد ستارگان گذاشته است

نگاهش همیشه به آن بالا بوده است به آسمان. به آنجایی که پدرش از کودکی با انگشت اشاره به او نشان می‌داده و یکی یکی با سرانگشت صورت‌های فلکی را برایش به تصویر می‌کشیده است، تصویری که آتش عشق به آسمان را در جان او می‌اندازد و سال‌ها فکر می‌کند چطور می‌تواند از زمین در آن دورها زندگی کند تا اینکه بالاخره راهش را پیدا می‌کند.

✚ ماجرای عکس‌های سیاه

آن قدر به نجوم علاقه‌مند می‌شود که عکاسی از آسمان را هم شروع می‌کند، عکس‌هایی که از نظر خیلی‌ها چیزی برای دیدن ندارد ولی از نظر او پر از شگفتی‌های آسمان است. «آن سال‌ها یک دوربین زینت گرفته‌بودم که با آن عکاسی نجومی می‌کردم. آن زمان از دوربین‌های حرفه‌ای به حساب می‌آمد که روی آن انواع لنز می‌گذاشتم و عکاسی می‌کردم. گاهی بعضی‌ها می‌گفتند این عکس‌های سیاه که چیزی



✚ پدرم من را عاشق کرد

فاطمه گنجی متولد فصل درو و گندم‌های سال ۵۵ است. او ۱۵ مرداد در شهر ابهر به دنیا آمده و از همان دوران کودکی، پدرش عشق به آسمان و افلاک در دلش کاشته شده است. «موقع درو گندم، در شهری کوچک بین قزوین و زنجان، در شهری به نام ابهر به دنیا آمدم. از همان بچگی پدرم با دست ستاره‌ها را به من نشان می‌داد و صورت فلکی دب اکبر را که شبیه به یک بادبادک بود برآیم روی آسمان می‌کشید. این شد که از همان دوران آتش عشق به آسمان و کشف آنچه در دوردست است و ما آن را نمی‌بینیم به جانم افتاد. البته احساس می‌کنم این حس برای خیلی‌ها وجود دارد و آسمان به علت در دسترس و قابل لمس نبودن برای همه ما جذاب است. بعد از آن، آشنایی علمی من با نجوم به واسطه دبیر جغرافی‌ام بود. از شاگردز رنگ‌هایی بودم که میز اول می‌نشینند. یک روز کتاب «نجوم به زبان ساده» را در دست او دیدم و برایم سؤال بود که چه کتابی است. فامیل معلمم خانم قزوینی بود. البته الان هم هنوز بعد از چهار سال با هم در ارتباط هستیم و درباره نجوم صحبت و تبادل نظر می‌کنیم. کتاب را که خواندم، آتش نهفته درونم شعله‌ور شد. بعد از آن، همه کتاب‌های نجومی که در کتابخانه نزدیک مدرسه بود به امانت گرفتم و همه آن‌ها را هم خواندم. بسیار علاقه‌مند به نجوم شده‌بودم و خانم قزوینی که این علاقه را می‌دید، به من کمک می‌کرد. با هم صورت‌های فلکی را در آسمان پیدا می‌کردیم و بعد از ظهرها در آسمان مصنوعی، آن‌ها را مرور می‌کردیم. آن قدر به این موضوع علاقه داشتم که هم کلاسی‌هایم را هم به این تماشای دعوت می‌کردم و در نهایت، اتاق نجوم را راه انداختم.»

✚ به خانم نجومی معروف بودم

او با مطالعه در دوران دبیرستان به شناخت علم نجوم ادامه می‌دهد و آنجا که وقت انتخاب رشته رفتن به دانشگاه می‌شود، به دنبال رشته‌ای مرتبط با علاقه‌اش می‌گردد. «به آسمان خیلی علاقه داشتم. عظمت خداوند در آسمان نمودی خاص و عجیب دارد. ابدیت و حجم بی‌نهایتی از آفرینش در آسمان است و این موضوع برای من همیشه جذاب است. شعله‌ای است درونم که پدر خدا بیامرز من روشن کرد. هرچند در دوره‌ای کم شد، همیشه روشن بود و تداوم پیدا کرد و در هر دوره‌ای به شکلی خود را در زندگی من نشان داد.» بعد از دوران دبیرستان برای دانشگاه تنها رشته‌ای که

دانشجویی برنامه‌های جمعی نجومی زیاد داشتیم. همان سال اولین گردهمایی نجوم دانشجویان کشور را راه انداختم و از حضور استادان بزرگی مانند پرفسور سقوطی، دکتر نصیری قیداری، دکتر ریاضی و دیگر بزرگان بهره بردیم. بهار سال بعد برای علاقه‌مندان به نجوم بهار خاصی بود زیرا دو دنباله‌دار در آسمان دیده شد. لحظه دیدن این دنباله‌دارها هیجان‌انگیزترین لحظه زندگی من بود. یک چهارم آسمان را گرفته بود و پدیدهای تکرار نشدنی بود. یک دنباله‌دار دیگر همان ایام در آسمان ایران دیده شد. این دو پدیده هیل پاپ و هاگوت که نام داشتند.»

